نمایشگاه کتاب پکن برگزار می‌شود

بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب پکن ۵ تا ۹ شهریور برگزار می‌شود. فراهم‌کردن قرار ملاقات‌ها برای فروش کپی‌رایت، اهدای جایزه تجارت کپی‌رایت آنلاین همراه کوپن غرفه ۲۰۲۱ به ارزش ۹۰۰ دلار به ۱۰ غرفه‌دار اول براساس حجم تجارت، امکان بارگذاری کاتالوگ و اطلاعات در سایت این نمایشگاه، معرفی پنج عنوان کتاب کلیدی و معرفی تعداد نامحدودی کتاب معمولی ازجمله امکانات بستر آنلاین در این دوره از نمایشگاه کتاب پکن است./ مهر

تعطیلی کتابفروشی دف

کتابفروشی نشر دف پس از پنج سال فعالیت در محدوده سیدخندان، تعطیلی قریب‌الوقوع خود را اعلام کرد. در متن منتشرشده توسط مسؤولان این کتابفروشی آمده‌است: «سال‌های اخیر و با وجود زنجیره‌ای از وقایع تلخ پشت سر هم، کاری سخت و طاقت‌فرسا بود. در دوره‌ای که بنیان‌ها در مقیاس ملی متزلزل و نیازمند بازشناخت و بازتعریف‌اند، کسب و کارهای فرهنگی نیز مخاطرات «بود و نبود» بیشتری را تحمل می‌کنند./ مهر

مش قربون هم گریخت

احمد پورمخبر، پیرمرد طناز سینما و تلویزیون در ۸۰ سالگی درگذشت

احمد پورمخبر که بیش از یك ماه در بیمارستان فیروزگر تهران بستری بود، روز گذشته بر اثر سکته مغزی درگذشت. او متولد ۱۳۱۹ و بازنشسته ارتش بود و به عنوان بازیگر در آثاری چون متهم گریخت، ترش و شیرین، بزنگاه، راه دررو، زن‌ها فرشته‌اند، خروس‌جنگی و توفیق اجباری حضور داشت

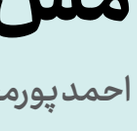

علی رستگار

سینما

«بگو آخر این سفر می‌رسم کجا؟ تو منو تنها نذار ای خدا خدا» این ترانه را یادتان می‌آید؟ ترانه تیتراژ اول سریال محبوب «متهم گریخت» با صدای امیرحسین مدرس است. آن‌موقع که سریال را در ماه رمضان سال ۸۴ از شبکه سه سیما می‌دیدیم و خوش‌خوشان‌مان بود، چندان در بحر سویه‌های غمناك ماجرا و تأویل و تفسیرهای آنچنانی نبودیم. بااین‌که مصائب و مشکلات از سر و روی هاشم‌آقا و خانواده و اطرافیانش می‌بارید، اما ما خوش داشتیم نمك قصه را مزمزه کنیم. ولی حالا و در این سال‌های اخیر که هر بار خبر درگذشت یکی از بازیگران این سریال را می‌شنویم و می‌خوانیم، دیگر مواجهه ما با متهم گریخت و شخصیت‌ها و بازیگرانش مثل سابق نیست و کمی سنگین و رنگین‌تر شده است.

نه این‌که نخندیم که اتفاقا حتی هنوز و پس از بارها بازپخش هم سریال تماشایی و خنده‌دار است، منظور این است که این مرگ‌ها و رفتن‌ها، حالا آن زیر متن و بستر تلخ قصه و آدم‌های درب و داغان اما باصفایش را برجسته‌تر می‌کند.

قصه پرغصه شخصیت‌ها در ترکیب با اندوه مرگ بازیگران دست به دست هم می‌دهند و دل را می‌خراشند. اما تا می‌آییم دلمان بگیرد و آه افسوس بکشیم، سیروس گرجستانی (هاشم‌آقا) یك کاری می‌کند که بخندیم و غصه‌ها را فراموش کنیم، محمود بهرامی (شازده، صاحبخانه‌هاشم) نمك می‌ریزد و می‌زنیم زیر هرچه بساط غم است، احمد پورمخبر (مش‌قربون، همسایه‌هاشم) چشم درشت می‌کند و با تحکم، تکه‌ای می‌پراند و درد و غصه را فراری می‌دهد.

می‌بینید؟ خاطره‌سازان و دوست‌داشتنی‌ها یکی یکی دارند می‌روند و سفره شادی‌آفرینی کوچك‌تر و بی‌رونق‌تر می‌شود؟ بله، البته که بازیگران خوب و خاطره‌سازان دیگری هستند، خوشبختانه و این سفره کمدی و شادی‌آفرینی کماکان نمك دارد، اما عجالتا اجازه دهید مرثیه‌گوی چهره‌های بانمکی باشیم که دیگر میان ما نیستند، عزیزانی که با هنرشان به دل‌ها و خلوت و حریم خانه‌های‌مان و سر سفره‌های‌مان راه یافتند و ما را بارها به لبخندها و خنده‌هایی مهمان کردند تا غم و غصه‌ها و دردها و مشکلات را برای ساعتی هم که شده بیرون کنیم و کاری به کارشان نداشته باشیم.

برگردیم به بخشی از ترانه تیتراژ متهم گریخت که شروع مطلب به آن اشاره کردیم؛ خدا آن بازیگران نازنینی که بارها دل میلیون‌ها آدم را شاد کردند، تنها نمی‌گذارد و حتما در این سفر، آخر خوشی را برایشان درنظر می‌گیرد. به‌جز این بازیگران خوب، یادی هم کنیم از برخی دیگر از سفرکرده‌های متهم گریخت: سیدجلال طباطبایی، سعید نورالهی و پروین میکده.

از مش‌رمضان تا مش‌قربون

خیلی‌ها احمد پورمخبر را با نقش مش‌قربون، همسایه‌هاشم‌آقا در متهم گریخت به‌یاد می‌آورند که خواستگار بی‌بی هم بود. اما پورمخبر بسیار قبل‌تر از آن و در سال ۷۵ بازیگری را تجربه کرده بود؛ آن هم در فیلمی مهم و معتبر به نام بچه‌های آسمان به کارگردانی مجید مجیدی. نکته جالب و قابل اشاره، اسم این بازیگر در تیتراژ پایانی بود که آن را (احمد مخبر) نوشته بودند.

پورمخبر در سکانس کوتاهی نقش مش‌رمضان، همسایه خانواده علی را بازی می‌کرد که همسر بیماری به نام کوکب‌خانم دارد. علی، کاسه سوپی را که مادرش پخته برای این زوج کهنسال می‌برد و مش‌رمضان هم در ازای آن و برای تشکر، دست می‌کند زیرتخت و یك مشت نخودچی کشمش در دست علی می‌ریزد و می‌گوید: «قابل شما رو نداره.» انگشتر عقیق درشتی که به دست دارد و چه‌بسا متعلق به خودش هم بوده را انگار بعدها در فیلم و سریال‌های دیگر او هم می‌بینیم. ضمن این‌که بیشتر ویژگی‌های بازیگری پورمخبر که در این سکانس کوتاه می‌بینیم، سال‌ها بعد و در فیلم و سریال‌هایی که بازی کرد، قابل ردیابی است. درشت کردن چشم‌ها و گفتار منقطع اما باتحکم و لحن داش‌مشدی‌وار که معلوم نبود حرفی جدی می‌زند یا طرف مقابل را به قصد شوخی، دست می‌اندازد، بعدها با هدایت رضا عطاران در سریال‌هایی چون متهم گریخت، ترش و شیرین و بزنگاه، به شکل بازیگوشانه‌ای تقویت و به‌خوبی در خلق موقعیت‌های کمدی بیشتر به کار گرفته شد.

همین سکانس کوتاه موردنظر در بچه‌های آسمان را ببینید که پورمخبر در نقش مش‌رمضان، به پشتی تکیه داده و مشغول دوختن جوراب سوراخش است و همسر بیمارش مقابلش در بستر درازکشیده و علی با کاسه سوپی وارد می‌شود.

اینجا مجید مجیدی به عنوان کارگردان همه چیز از جمله ویژگی‌های بازیگری پورمخبر را در جهت فضای ناتورالیستی و طبیعت‌گرایی زیست صحنه و فیلم به‌کار می‌گیرد، آن هم در وجهی تلخ، جدی و تاثیرگذار، اما همین سکانس به‌خصوص، با نگاه طنازانه و بازیگوشانه عطاران می‌توانست ظاهر بانمك و خنده‌داری داشته باشد، این‌که با همان دستی که مشغول دوختن جوراب سوراخ و مستعملی هستی، دست کنی به جای نامعلومی زیرتخت و یك مشت نخودچی کشمش برداری و در دستان بچه‌ای بریزی، به‌ویژه با حضور بازیگر بازیگوش و طنازی چون پورمخبر، چه صحنه بامزه و خنده‌داری که نمی‌شد.

کمااین‌که عطاران در آثارش بارها با میزانسن‌هایی به‌شدت روزمره، معمولی و باورپذیر و استفاده درست و خلاقانه از احمد پورمخبر و دیگر بازیگران، لحظات کمدی درخشانی خلق کرد که هنوز هم کار می‌کند و می‌خنداند.

یك فلاش‌بک تلخ و شیرین

در قسمت اول متهم گریخت، وقتی تعدادی از دوستان و آشنایان و همسایه‌های هاشم‌آقا، متوجه ناخوشی و مرگ نصفه و نیمه و بازگشت به دنیای او می‌شوند برای عیادت به خانه‌اش می‌آیند. حرف‌های هاشم گل می‌اندازد و شعری که پدرش می‌خواند را برای مهمانان بازگو می‌کند: «در این دنیای بی‌حاصل چرا مغرور می‌گردی/ سلیمان گر شوی آخر، نصیب مور می‌گردی» و ادامه می‌دهد: «این دنیا ارزش اینا رو نداره. باید همدیگرو داشته باشیم.» بعد با دست اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید: «چایی‌تونو بخورین.» اما تیر تلخ و شیرین بعدی را احمد پورمخبر (مش‌قربون) شلیك می‌کند: «هاشم‌جون، از اون دنیا چه خبر؟» هاشم‌آقا یك‌جوری می‌شود و آهی می‌کشد، سرتکان می‌دهد و می‌گوید: «آخ مش‌قربون، اصلا یه چیز دیگه است. من هرچی بگم انگار هیچ چی نگفتم. باید بری ببینی!» و بعد با تاکید ادامه می‌دهد: «ای خدا! خدا الهی قسمتت کنه مش‌قربون» و همگی از جمله خود مش‌قربون، دست‌ها را رو به آسمان بلند می‌کنند و می‌گویند: «ان‌شاءا...» و چه بازی عجیبی دارد سرنوشت، هاشم‌آقا (سیروس گرجستانی) واقعا هم زودتر رفت و دید، اما برنگشت که بگوید چه خبر. برای همین هم مش‌قربون (احمد پورمخبر) خودش شال و کلاه کرد و واقعا رفت که ببیند.

ضمایر [آنها]

حاشیه‌های یک کنسرت

کاربران فضای مجازی نسبت به تبلیغ برگزاری کنسرت آنلاین سالار عقیلی واکنش نشان دادند

جمعه سوم مرداد ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه قرار است سالار عقیلی یك کنسرت آنلاین برگزار کند. رویدادی که در فضای مجازی واکنش‌های بسیاری در پی داشته است. البته کاربران چندان حرفی با هنرمند ندارند و شرکت ایرانسل را به‌عنوان برگزارکننده این رویداد نشانه گرفته‌اند. اگر به خاطر داشته باشید یکی دو ماه پیش هم همین شرکت اعلام کرد کنسرتی را برای همایون شجریان، خواننده پرطرفدار موسیقی ایرانی برگزار می‌کند.

همین اطلاع‌رسانی هم خیلی‌ها را سمت خود کشاند و خلاصه دست به جیب شدند برای خریدن بلیت و تجربه حضور آنلاین در کنسرت همایون. شب مورد نظر که فرارسید اما سامانه‌های برگزاری این کنسرت آنلاین قطع شدند و مخاطبان نتوانستند از کنسرت مورد نظرشان استفاده کنند. حالا هم که قرار است کنسرت سالار عقیلی با همان شیوه قبلی برگزار شود، مخاطبان که ظاهرا دل بسیار پری از اتفاق قبلی دارند، دارند خط و نشان می‌کشند که جناب ایرانسل کوتاه بیا، چرا می‌خواهی باز هم همان بلای قبلی را سرمان بیاوری. البته کلی هم انتقادات تند و تیزتر با بیان خاص خودشان دارند که می‌گذریم، اما باید بگوییم بالاخره مخاطبان هم حق دارند. آنها پولی پرداخت کرده و یك شب خاص را منتظر اجرای برنامه‌ای مانده‌اند که هرگز اجرا نشده‌است.

هرچند می‌شود صبر کرد و دید شاید این‌بار کنسرت آنلاین بدون هیچ مشکلی در اختیار علاقه‌مندانش قرار بگیرد و آنها که اجراهای سالار عقیلی را دوست دارند، در این روزهای خانه‌مانی و کرونایی بتوانند ساعت خوشی را سپری کنند. چون ظاهرا چاره‌ای نیست و شرایط ادامه‌دار است. باید کم‌کم تن بدهیم به شرکت در رویدادهای آنلاین و علاقه‌مندی‌هایمان را هم بیشتر از قبل با همین شیوه دنبال کنیم. سینما آنلاین، کنسرت آنلاین، تئاتر آنلاین و خلاصه هر رویداد دیگری احتمالا خیلی زود با همین پسوند آنلاین برگزار خواهد شد. اتفاقی که در دنیا هم شروع شده و گریزی از آن نیست. اگر تجربه برگزاری کنسرت سالار خوب پیش برود و اتفاقات تلخ دفعه قبل تکرار نشود، احتمال زیاد کنسرت آنلاین هم می‌تواند خیلی زود به یکی از سرگرمی‌های مردم در روزهایی که مجبورند بیشتر در خانه باشند، بدل شود.

عدد سوم

اجرای مجدد «سه‌شنبه‌های لعنتی» در تئاترشهر

نمایش «سه‌شنبه‌های لعنتی» به نویسندگی و کارگردانی محمدمهدی خاتمی از روز چهارشنبه اول مردادماه در تالار سایه تئاترشهر اجراهای خود را ازسرمی‌گیرد. این نمایش که به علت شیوع کرونا از چهارم اسفندماه موقتا به اجرای خود پایان داده‌بود، از روز چهارشنبه اول مردادماه سال جاری بعد از پنج ماه توقف در اجرا، بار دیگر میزبان مخاطبان تئاتر در تالار سایه خواهد بود./ ایسنا

۱

عدد چهارم

جایزه ۶۰ هزار دلاری برای نویسنده جوان استرالیا

جایزه مایلز فرانکلین که به‌عنوان معتبرترین جایزه ادبی استرالیا شناخته می‌شود برنده خود در سال ۲۰۲۰ را معرفی کرد. تارا جون وینچ، نویسنده بومی استرالیایی برای نوشتن کتابی با عنوان «محصول» یا «بازده» به عنوان برنده سال ۲۰۲۰ این جایزه انتخاب شد. خانم وینچ امسال این جایزه ۶۰ هزار دلاری را برای «محصول» دریافت کرد که از سوی هیات داوران به‌عنوان رمانی جذاب و موفقیت‌آمیز توصیف شده‌است./ مهر

۶۰

کاناپه

«یاران پیامبر» در کتابفروشی‌ها

مجموعه چهارجلدی «یاران پیامبر» نوشته محمود پوروهاب به‌تازگی توسط انتشارات به‌نشر (آستان‌قدس‌رضوی) منتشر و راهی بازار نشر شده‌است. این مجموعه در قالب عناوین کتاب‌های «پروانه» که این ناشر برای نوجوانان منتشر می‌کند، به چاپ رسیده‌است. «آخرین مهاجر- عبدا... پسر اریقط و معاذ پسر جموح»، «آن روی زیبا- مصعب بن‌عمیر»، «تنها زندگی می‌کنی - ابوذر غفاری» و «سال‌های بردگی - بلال حبشی» عناوین این چهار جلد است./ جام جم دیلی

کتاب [عطف]

در نشست نقد و بررسی رمان «وقتی خورشید خوابید» چه حرف‌هایی رد و بدل شد؟

جنایتی که هستی شناسی کارآگاه را تغییر می‌دهد

مجید اسطیری سال ۹۲ با مجموعه داستان «تخران» خودش را به ادبیات داستانی ایران معرفی کرد. پس از آن سال ۹۷ وی با رمان «رمق» برگزیده جشنواره داستان انقلاب شد. یک سال پس از آن نیز انتشارات سوره مهر رمان معمایی «وقتی خورشید خوابید» را از وی منتشر کرد. چندی پیش نشست نقد و بررسی این رمان در حلقه داستان «فیروزه» برگزار شد که گزارش مختصری از این نشست را با هم مرور می‌کنیم:

محمدقائم خانی: شخصیت‌هایی که این رمان آفریده خیلی عالی هستند و من واقعا آنها را باور می‌کنم. اما شخصیت راوی به عنوان یک بازپرس به اندازه کافی شکاک نیست. انرژی رمان در بخشی از فصل‌ها آن‌قدر زیاد است که من گمان می‌کردم حجم اثر باید ۵۰ تا ۶۰ صفحه دیگر افزایش یابد.

زهراسادات ثابتی: شخصیت‌ها در این رمان برای من واقعا جذاب بودند چون علاوه بر تنوع زیادی که داشتند خوب هم پرداخت و خوب هم در پیرنگ به کار گرفته‌شده‌بودند. با شخصیت‌هایی واقعی و خاکستری روبه‌رو بودیم. من معتقدم بخش زیادی از تعلیق و غافلگیری رمان به عهده همین شخصیت‌ها بود. مخصوصا در فصلی که شخصیت آن پسرک نابینا محمدتقی اوج قدرت این شخصیت پردازی را می‌بینیم. این شخصیت یا شخصیتی که نقیضه جلال آل احمد بود، آن قدر قوی طراحی شده‌بودند که بی‌نیاز از مقدمه‌چینی بودند.

علی اصغر عزتی پاک: اسطیری در این رمان به حوزه‌ای که از آن می‌نویسد، یعنی خراسان، خیلی نزدیک شده و شاید بتوان گفت با توجه به مسأله اصلی و وزانت و قصه‌گویی این اثر، می‌توان آن را کنار آثار دولت‌آبادی قرار داد. جنایتی اتفاق افتاده و کسی که برای کشف آن رفته‌است با وضعیتی پیچیده مواجه می‌شود که باعث می‌شود او به یک هستی شناسی تازه‌ای برسد. این اثر با لذت خوانده می‌شود مخصوصا برای کسی که غیر فنی نگاه می‌کند و الزاما دنبال خواندن یک رمان ژانر نیست.
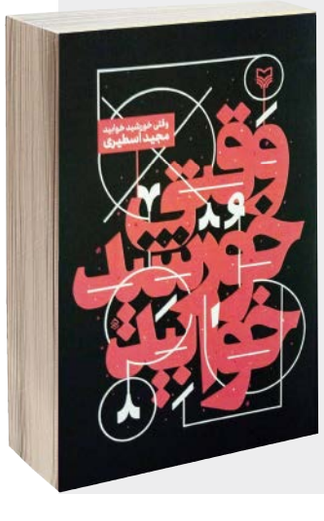
نرگس فرجاد امین: این رمان در حوزه رمان‌های بین ژانری قرار می‌گیرد. فصل‌هایی از اثر را کاملا باید در ژانر جنایی بخوانیم و فصل‌هایی دیگر کاملا تم آپوکالیپتیک یا آخرالزمانی دارند. همان طور که نمی‌شود در مورد فیلم ماتریکس گفت که یک فیلم اکشن است در مورد این اثر هم نمی‌توان گفت یک رمان ژانر است. چراکه عموما از رمان ژانر توقع نداریم اثر عمیقی باشد اما اینجا با یک اثر عمیق روبه‌رو هستیم. این رویکرد بین ژانری خیلی ارزشمند است بنابراین من اگر بخواهم این رمان را به کسی معرفی کنم، نمی‌گویم یک رمان ژانر است. من از جنبه‌های مکاشفه‌ای اثر مثل ماجرای پسرک نابینا خیلی لذت بردم و دوست داشتم همین جنبه‌ها پررنگ‌تر باشند. از طرفی دیگر «چندصدایی» تا حد خیلی خوبی در این رمان رعایت شده و نویسنده موفق شده خودش را از اثر عقب بکشد.